

بررسی چگونگی ویژگی های کار آفرینی دانشجویان

دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب

محمد حسن رضایی*^۱ و طیبه رهسپار^۲

چکیده

این پژوهش بمنظور بررسی چگونگی ویژگی های کار آفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی داراب انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی و همبستگی بوده است. به همین منظور نمونه ی آماری ۴۱۰ نفری از بین کلیه ی دانشجویان با روش نمونه گیری طبقه بندی شده از گروه های آموزشی علوم پایه، علوم انسانی، فنی و مهندسی و کشاورزی و علوم پزشکی انتخاب شد. ابزار پژوهش پرسشنامه ۳۰ سوالی محقق ساخته در مقیاس لیکرت بود که با توجه به ویژگی های نیاز به موفقیت، مرکز کنترل درونی، خلاقیت، تمایل به مخاطره پذیری و نیاز به استقلال تهیه شد. روایی، پرسشنامه با استفاده از نظر صاحب نظران و تحلیل گویه ها و پایایی آن با روش باز آزمایی و نیز آلفای کرنباخ تعیین گردید و داده ها با استفاده از آزمون t تک نمونه ای، آزمون رتبه ای فریدمن، تحلیل واریانس یک سویه و آزمون t برای گروههای مستقل و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که میانگین روحیه ی کارآفرینی به طور کلی و نیز همه ی مولفه ها به جز مولفه ی مخاطره پذیری بالاتر از حد میانگین است. نتایج پژوهش همچنین مشخص کرد که بین میانگین گروههای آموزشی در همه ی مولفه ها به جز خلاقیت تفاوت وجود دارد و میانگین های دانشجویان زن و مرد اگر چه در روحیه ی کارآفرینی، نیاز به موفقیت و نیاز به استقلال تفاوت نشان داد، اما در مولفه های مرکز کنترل درونی، خلاقیت و تمایل به مخاطره پذیری تفاوت معنی دار نداشتند. افزون بر این، بین پیشرفت تحصیلی و روحیه ی کارآفرینی و مولفه های آن به جز خلاقیت همبستگی مثبت بدست آمد، ولی بین میانگین دانشجویان مقطع

^۱ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب.

^۲ - کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و مدرس مدعو واحد داراب.

*- نویسنده ی مسئول مقاله: mhr1335@yahoo.com

کارشناسی و کاردانی به جز در مولفه های نیاز به استقلال، تمایل به مخاطره پذیری و نیاز به موفقیت در سایر مولفه ها تفاوتی مشاهده نشد.

واژه های کلیدی: کارآفرینی دانشجویان، ویژگی های کارآفرینی، روحیه ی کارآفرینی.

مقدمه

در دهه های اخیر توجه به کارآفرینی و آموزش آن در آموزش عالی اهمیت یافته است، هدف از آموزش کارآفرینی این است که دانشجویان افرادی خلاق شوند و مهارت های لازم مانند مهارت مدیریت و بازاریابی را کسب کنند (احمد پور داریانی ۱۳۸۲).

افراد کارآفرین و کسانی که از ویژگی های کارآفرینانه بهره مندند، می توانند در مسیر تحولات حرفه ای پیش کنشی عمل کنند، مسیر دگرگونی ها را بشناسند و نسبت به نیازهای جدید آگاهی یابند و در راستای ایجاد مشاغل جدید نقش آفرین باشند، بر این اساس لازم است که دانشجویان به گونه ای پرورش یابند که ویژگی های کارآفرینانه در آن ها رشد کند (گیب ۲۰۰۰)^۱. اگر چه کارآفرینی، مفهومی است که در آغاز در اقتصاد مطرح بود و تا دهه ی ششم قرن بیستم بیش تر از سوی اندیشمندان اقتصادی به آن پرداخته می شد، اما در مجموع آن ها نتوانستند تعریفی جامع و کامل از کارآفرینی ارائه کنند، بنابراین نقش آن در نظریه های اقتصادی به تدریج کمرنگ شد و همراه پررنگ شدن نقش کارآفرینان در توسعه ی اقتصادی جوامع، روان شناسان به بررسی ویژگی های کارآفرینان پرداختند (احمد پور داریانی و رضاییان ۱۳۷۷). مطالعه ی کارآفرینی در روان شناسی بر درک این نکته که چگونه صفات افراد با انگیزش و عملکرد کارآفرینانه ارتباط دارد، متمرکز است (احمد پور داریانی و مقیمی ۱۳۸۵).

عابدی (۱۳۸۱) بیان می کند که بر اساس مکتب ویژگی های روان شناختی کارآفرینی، نیازها، انگیزه ها، نگرش ها، احساسات و ارزش های افراد مبنای رفتار اولیه آن هاست و ارزش های غالب افراد را وادار به رفتار ویژه ای می کنند.

مقیمی (۱۳۸۰) با اشاره به مکتب کارآفرینی انسانی می گوید که این مکتب ویژگی هایی را برای کارآفرینان موفق بر می شمارد که برخی از آن ها عبارتند از: نیاز زیاد به موفقیت شخصی، نیاز کم به کنترل، فعالیت های خود تنظیمی، باور به توانایی خود در کنترل نتایج زندگی، ریسک پذیری، تحمل ابهام زیاد، عزت نفس زیاد و عدم انطباق پذیری.

^۱ - Gibb

جان پورچ^۱ (۲۰۰۷) ویژگی های کار آفرینان را چنین بر می شمارد:

۱- خوش آیندی موفقیت ۲- فشار برای غلبه بر مشکلات ۳- سخت کوشی ۴- خوش آیندی کار ۵- پرورش کیفیت ۶- پذیرش مسئولیت ۷- پاداش مداری ۸- خوش بینی ۹- تعالی مداری ۱۰- سود مداری.

کارلند (به نقل از علوی ۱۳۸۲) بر ویژگی های زیر در کار آفرینان تاکید می کند:

۱- نیاز به توفیق ۲- مرکز کنترل درونی ۳- تمایل به مخاطره پذیری ۴- نیاز به استقلال ۵- خلاقیت.

به باور ویک، بوشوف و بستر (۲۰۰۳) ارتباط بین رویکرد نگرش کارآفرینی و متغیرهای دموگرافیک- بیوگرافیک گوناگون، شخصیت و متغیرهای مرتبط با کار مورد مطالعه فراوان قرار گرفته و بین نگرش کار آفرینی، شخصیت و متغیرهای کار ارتباط بدست آمده است.

احمد پور داریانی (۱۳۸۲) با ارایه ی مدل استراتژیک کار آفرینی دانشگاهی، سه دسته عوامل دانشی، مهارتی و کار آفرینی را ذکر می کند که تعامل آن ها می تواند متضمن موفقیت دانشجوی پس از فراغت از تحصیل باشد.

بر اساس این مدل، دسته ی سوم ویژگی هایی مثل نو آوری، خلاقیت و ریسک پذیری است. به باور این پژوهشگر هدف اولیه توسعه ی کار آفرینی در دانشگاه، پرورش افرادی متکی به نفس و آگاه به فرصت هاست.

به باور گیب وهانن (۲۰۰۷) یکی از هدف های کار آفرینی در دانشگاهها تمرکز بر پرورش رفتارهای کار آفرینانه در دانشجویان است، آن ها باید یاد بگیرند که افرادی نو آور و خلاق باشند و ابتکار و تفکر مستقل را بیا موزند.

در راستای آنچه ذکر شد، در این پژوهش چگونگی ویژگی های کارآفرینی دانشجویان بررسی می شود به این منظور که مشخص گردد دانشجویان نمونه ی آماری تا چه اندازه از روحیه ی کارآفرینی و مولفه های آن مشتمل بر مولفه های نیاز به موفقیت، مرکز کنترل درونی، تمایل به مخاطره پذیری، نیاز به استقلال و خلاقیت بهره مند هستند. افزون بر این، مقایسه ی گروههای آموزشی و مقاطع کاردانی و کارشناسی و دو گروه دانشجویان مرد و زن در هر یک از مولفه ها و چگونگی ارتباط مولفه های کارآفرینی با پیشرفت تحصیلی مورد نظر این پژوهش است. شناسایی ویژگی های ذکر شده می تواند به درک بهتر چگونگی روحیه ی کار آفرینی در دانشجویان کمک نماید و ضرورت تقویت این مولفه ها را بر حسب نیاز احتمالی تبیین کند.

¹ - John G. Burch

پیشینه ی پژوهش

در پژوهشی که کولینز^۱ (۲۰۰۷) انجام داد، کارآفرینان مرد در ویژگی های انعطاف پذیری، تحمل ریسک، مدیریت زمان و برون گرایی نمره های بالاتر کسب کردند در حالی که زنان در برنامه ریزی، شهود و ادراک نمره های بالاتری داشتند.

هاتن^۲ (۱۹۹۳) در پژوهش خود در مورد تایید برنامه ی آموزشی بر نگرش نسبت به کار آفرینی نتیجه گرفت که در شرکت کنندگان با مرکز کنترل درونی، نگرشی مثبت تر نسبت بکار آفرینی ایجاد شد. در پژوهش دیگری که کارلند (۱۹۹۱) انجام داد، مشخص گردید که بین نو آوری، ریسک پذیری و نیاز به موفقیت کار آفرینان و غیر کار آفرینان تفاوت وجود دارد، ولی بین دو گروه زنان و مردان کار آفرین تفاوتی مشاهده نشد.

در پژوهشی که سینگ و دنوبل^۳ (۲۰۰۳) انجام دادند، تحلیل رگرسیون مشخص کرد که تمایل به خویش فرمایی با شخصیت افراد مرتبط است، افزون بر این، بین شخصیت، جنسیت و تمایل به خویش فرمایی ارتباط مثبت بدست آمد.

ویک، بوشوف و بستر^۴ (۲۰۰۳) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که بین نگرش کار آفرینانه، شخصیت و متغیرهای کار ارتباط قوی وجود دارد و متغیرهای ذکر شده پیش بینی کننده ی قوی برای نگرش کار آفرینانه هستند.

یونگا و نورای (۲۰۰۰) در پژوهشی به بررسی ویژگی های کار آفرینی در بین دانشجویان دانشگاههای ترکیه پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که دانشجویانی که تمایل خود را برای راه اندازی کسب و کار مستقل نشان داده بودند، در همه ی ویژگی های کار آفرینی به جز تحمل ابهام و اعتماد به نفس، نمره هایی بالاتر داشتند. با این حال که فقط ۱۸ درصد دانشجویان تمایل به کار آفرین شدن از خود نشان داده بودند.

شریف زاده (۱۳۸۲) به بررسی چهار خصیصه ی نیاز به موفقیت، نیاز به قدرت، رقابت و مخاطره پذیری در دانشجویان دانشکده ی کشاورزی دانشگاه شیراز پرداخت، نتایج این پژوهش تفاوتی معنی دار بین دانشجویان رشته های گوناگون و نیز سطوح تحصیلی نشان نداد.

خدمتی توسلی (۱۳۷۹) در پژوهش خود با عنوان بررسی زمینه های بروز و پرورش کار آفرینی در دبیرستان های پسرانه ی دولتی کرج، نتیجه گرفته است که زمینه های گرایش به موفقیت و توفیق طلبی، نیاز به استقلال، ریسک پذیری و مرکز کنترل درونی در مدارس کرج فراهم می شود.

^۱- collins

^۲- Hatten

^۳- Singh cangarom & Denoble Alex

^۴- Wyk Boshof & Bester

مشایخ (۱۳۸۳) در پژوهش خود به بررسی ارتباط پایگاه اجتماعی خانواده (شغل و سواد والدین) و میزان روحیه ی کار آفرینی دانشجویان دانشگاه شیراز پرداخته است، نتایج این پژوهش نشان داد که رابطه ای معنی دار بین شغل و سواد والدین و روحیه ی کار آفرینی وجود دارد و دانشجویان رشته ی مدیریت آموزشی در مقایسه با سایر دانشجویان دانشکده ی علوم تربیتی روحیه ی کار آفرینی بالاتری از خود نشان دادند. با این حال در این پژوهش بین عامل جنسیت و روحیه ی کار آفرینی ارتباطی مشاهده نشده است.

یارای (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان بررسی روحیات کار آفرینی دانشجویان و مقایسه ی آن با مدیران صنایع انگیزه های توفیق طلبی، قدرت طلبی، موقعیت رقابتی و ریسک پذیری را به عنوان انگیزه های تاثیرگذار بر رفتار کار آفرینی انتخاب کرد. پژوهشگر نتیجه گرفته است که مدیران صنایع از دانشجویان ریسک پذیری بیش تری دارند و از بین دانشجویان نیز دانشجویان مهندسی در مقایسه با دانشجویان علوم انسانی بیش تر ریسک پذیرند، ولی دانشجویان علوم انسانی از دانشجویان مهندسی از انگیزه ی توفیق طلبی بیش تری برخوردارند. افزون بر این، دانشجویان سال اول از دانشجویان سال آخر انگیزه ی رقابتی بالاتری برخوردارند بر اساس نتایج این پژوهش سطح کلی روحیه کار آفرینی در دانشجویان نمونه ی آماری پایین بوده است.

شیرزادی اصفهانی (۱۳۸۵) در بررسی رابطه ی جو سازمانی با روحیه ی کار آفرینی در مدارس دولتی، شاخص های روحیه ی کار آفرینی یعنی انگیزه ی پیشرفت، عزت نفس، خلاقیت، منبع کنترل درونی، آینده نگری و ریسک پذیری دانش آموزان را بالاتر از میانگین یافت. عبدالملکی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که متغیرهای جنس، سن و تحصیلات در میزان کار آفرینی تاثیر دارند.

ادهمی (۱۳۸۳) به مطالعه ی ویژگی های کار آفرینی مدیران ارشد صنایع غذایی اصفهان پرداخت و نتیجه گرفت که استقلال طلبی، پشتکار، هدف گرایی، تجربه کاری، توفیق طلبی، رقابت، نو آوری، تحصیلات و ابتکار و خلاقیت در آن ها بالاتر از میانگین است.

پرسش های پژوهش

- ۱- وضعیت هر یک از ویژگی های کار آفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی داراب چگونه است؟
- ۲- آیا بین دانشجویان گروه های آموزشی از نظر ویژگی های کار آفرینی تفاوت وجود دارد؟
- ۳- آیا بین دانشجویان زن و مرد از نظر ویژگی های کار آفرینی تفاوت وجود دارد؟
- ۴- آیا بین پیشرفت تحصیلی دانشگاهی و ویژگی های کار آفرینی ارتباط وجود دارد؟

۵- آیا بین دانشجویان کاردانی و کارشناسی از نظر ویژگی های کارآفرینی تفاوت وجود دارد؟

روش پژوهش

در این پژوهش، پژوهشگر به دنبال تعیین روابط علی و معلولی نیست و صرفاً به توصیف وضع موجود می پردازد، بنابراین پژوهش از نوع توصیفی (پیمایشی و همبستگی) است.

جامعه و نمونه ی آماری

جامعه ی آماری این پژوهش تمامی دانشجویان مقاطع کاردانی و کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی داراب در سال تحصیلی ۸۸ - ۱۳۸۷ می باشند که تعداد آن ها ۲۸۲۹ نفر بوده است و در گروه های علوم پایه، علوم انسانی و اجتماعی، مهندسی و کشاورزی و علوم پزشکی (پرستاری) قرار داشته اند.

نمونه ی آماری تعداد ۴۱۰ نفر از دانشجویان گروه های آموزشی واحد داراب هستند که با استفاده از روش نمونه گیری طبقه بندی شده و بر اساس متغیرهای گروه آموزشی، مقطع تحصیلی و جنسیت از بین جامعه ی آماری انتخاب شده اند.

ابزار اندازه گیری

ابزار این پژوهش پرسشنامه ای محقق ساخته متشکل از ۳۰ سوال بسته پاسخ پنج گزینه ای و در مقیاس لیکرت است، با توجه به این که منظور از ویژگی های کارآفرینی در این پژوهش ویژگی های: ۱- مرکز کنترل درونی ۲- خلاقیت ۳- نیاز به موفقیت ۴- مخاطره پذیری و ۵- نیاز به استقلال است، پرسشنامه به گونه ای طراحی شده است که هر شش سوال یکی از پنج ویژگی یا مولفه ی ذکر شده را مورد سنجش قرار می دهد و نمره ی کل پرسشنامه نیز روی هم رفته نمایانگر روحیه ی کارآفرینی است. مبنای تهیه ی پرسش های پرسشنامه، ادبیات پژوهش و نیز برخی از پرسشنامه های موجود از جمله پرسشنامه های خلاقیت و موفقیت ساخته شده به وسیله ی رندسیب و نیز پرسشنامه ی مرکز کنترل جولیان رانز (به نقل از مقیمی ۱۳۸۰) بوده است.

روایی و پایایی پرسشنامه

برای مشخص کردن روایی پرسشنامه از نظر متخصصان و صاحبان نظر استفاده شد و بر اساس نظر اصلاحی آن‌ها، اصلاحات لازم انجام گرفت و در نهایت با اجرا بر روی یک نمونه ۵۰ نفری از روش تحلیل گویه‌ها استفاده شد. برای بررسی پایایی از روش بازآزمایی (Test-retest) استفاده شد به این معنی که در یک فاصله ۱۵ روزه، دو بار پرسشنامه روی یک نمونه ۵۰ نفری از دانشجویان اجرا شد و ضریب همبستگی ۰/۸۱ نمایانگر پایایی مناسب پرسشنامه بود. افزون بر این ضریب آلفای کرباخ برای تعیین چگونگی ثبات درونی پرسشنامه محاسبه گردید که مقدار آن برای مرکز کنترل درونی ۰/۷۳، خلاقیت و نوآوری ۰/۷۸، نیاز به موفقیت ۰/۸۱، تمایل به مخاطره پذیری ۰/۷۵، نیاز به استقلال ۰/۸۲ و کل پرسشنامه کارآفرینی ۰/۸۰ بدست آمد. برای جمع آوری داده‌ها با توجه به مشخص شدن تعداد لازم از هر گروه آموزشی و مقطع با روش طبقه بندی شده، به دانشجویان نمونه آماری در هر گروه آموزشی مراجعه و پرسشنامه اجرا گردید.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌ها بر حسب مورد برای پرسش نخست از آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن، برای پرسش دوم از تحلیل واریانس یک سویه، سوال سوم و پنجم از آزمون t برای گروه‌های مستقل و برای پرسش چهارم از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

پرسش ۱- وضعیت هر یک از ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی داراب چگونه است؟

برای مشخص کردن چگونگی روحیه‌ی کارآفرینی و مولفه‌های آن از آزمون t تک نمونه‌ای و برای تعیین رتبه‌ی هر یک از مولفه‌ها از آزمون فریدمن استفاده شد.

جدول ۱- میانگین و انحراف استاندارد و نتایج آزمون t تک نمونه ای کل دانشجویان نمونه ی آماری در هر یک از ویژگی های پنج گانه کارآفرینی

Sig	t	S	\bar{X}	ویژگی
۰/۰۰۱	۱۲/۹۶	۳/۲۹	۲۰/۱۱	نیاز به موفقیت
۰/۰۰۱	۱۳/۱۴	۳/۸۱	۲۰/۴۸	مرکز کنترل درونی
۰/۰۰۱	-۴/۱۳	۳/۸۹	۱۷/۱۹	تمایل به مخاطره پذیری
۰/۰۰۱	۱۱/۸۶	۳/۲۸	۱۹/۹۲	نیاز به استقلال
۰/۰۰۱	۴/۷۱	۲/۵۴	۱۸/۵۹	خلاقیت
۰/۰۰۱	۱۰/۷۷	۱۱/۸۳	۹۶/۳۰	روحیه ی کارآفرینی به طور کلی

در جدول شماره ی ۱ میانگین ویژگی های پنج گانه که در واقع مولفه های کارآفرینی بشمار می آیند، برای کل دانشجویان و نیز میانگین کل پرسشنامه که نمایانگر روحیه ی کارآفرینی به طور کلی است، نشان داده شده است؛ همان گونه که در جدول مشاهده می شود، بالاترین میانگین مربوط به مرکز کنترل درونی (۲۰/۴۸) در مقایسه با سایر ویژگی هاست و کم ترین مقدار نیز مربوط به ویژگی تمایل به مخاطره پذیری (۱۷/۱۹) است. میزان روحیه ی کارآفرینی که میانگین کل پرسشنامه است، برابر با ۹۶/۳۰ بدست آمده است. آزمون t تک نمونه ای مشخص کرده است که بین میانگین روحیه ی کارآفرینی و حد متوسط هر پرسشنامه که ۹۰ می باشد (با توجه به پنج درجه ای بودن هر سوال و نمره ی ۳ به عنوان نمره ی متوسط و نیز سی سوالی بودن پرسشنامه) تفاوت معنی دار وجود دارد ($P < ۰/۰۵$). به بیان دیگر، روحیه ی کارآفرینی دانشجویان بالاتر از حد میانگین است. آزمون t تک نمونه ای بین میانگین هر یک از مولفه های کارآفرینی و حد میانگین هر مولفه که ۱۸ می باشد نیز (با توجه به شش سوالی بودن هر مولفه و میانگین نمره ی ۳ در هر سوال) تفاوت معنی دار نشان داده است. ملاحظه ی جدول شماره ی ۱ نشان می دهد که میانگین تمایل به مخاطره پذیری پایین تر از حد متوسط و میانگین های چهار مولفه ی دیگر به گونه ای معنی دار بالاتر از حد متوسط هستند ($P < ۰/۰۵$).

برای رتبه بندی مولفه ها از آزمون فریدمن استفاده شد و بر اساس این آزمون میانگین رتبه های مرکز کنترل درونی ۳/۵۳، نیاز به موفقیت ۳/۴۹، تمایل به استقلال ۳/۳۴، خلاقیت ۲/۷۲ و تمایل به مخاطره پذیری ۱/۹۱ بدست آمد و آزمون فریدمن این تفاوت ها را معنی دار نشان داد ($P < ۰/۰۵$).

پرسش ۲- آیا بین دانشجویان گروههای آموزشی از نظر ویژگی های کار آفرینی تفاوت وجود دارد؟

برای پاسخگویی به این پرسش و مقایسه ی میانگین گروههای آموزشی از تحلیل واریانس یک سویه استفاده شد.

جدول ۲- میانگین و انحراف استاندارد هر یک از ویژگی های کارآفرینی بر حسب گروه آموزشی

ویژگی	نیاز به موفقیت	مرکز کنترل درونی	تمایل به مخاطره پذیری	نیاز به استقلال	خلاقیت	روحیه ی کارآفرینی
گروه آموزشی	\bar{X}	\bar{X}	\bar{X}	\bar{X}	\bar{X}	\bar{X}
علوم انسانی	۲۰/۵۱	۲۱/۶۸	۱۷/۱۸	۲۱/۲۰	۱۸/۱۸	۹۸/۶۹
علوم پایه	۱۹/۵۲	۱۹/۴۲	۱۵/۹۰	۱۹/۲۰	۱۸/۶۲	۹۲/۶۹
فنی و مهندسی و کشاورزی	۱۹/۵۱	۱۹/۸۸	۱۷/۳۳	۱۹/۵۳	۱۸/۲۵	۹۴/۵۳
پزشکی (پرستاری)	۲۳/۶۹	۳/۹۰	۳/۱۹	۲۲	۳/۲۷	۲/۶۹
کل	۲۰/۱۱	۲۰/۴۷	۳/۸۱	۱۹/۹۲	۱۸/۵۹	۹۶/۳۰

در جدول شماره ی ۲ میانگین هر یک از مولفه های کار آفرینی بر حسب گروههای آموزشی ذکر شده است. ملاحظه ی این جدول بیانگر این است که دانشجویان گروه پزشکی (پرستاری) در مولفه های نیاز به موفقیت، تمایل به مخاطره پذیری، نیاز به استقلال و خلاقیت در مقایسه با سایر گروهها میانگین بالاتری داشته اند و تنها در ویژگی مرکز کنترل درونی گروه علوم انسانی میانگین بیش تری داشته است.

همان گونه که جدول شماره ی ۲ نشان می دهد، در کل پرسشنامه، یعنی روحیه ی کارآفرینی به طور کلی، گروه علوم پزشکی، یعنی دانشجویان رشته ی پرستاری میانگینی بالاتر از خود نشان داده اند. همان گونه که در جدول دیده می شود، در کل پرسشنامه کم ترین میانگین متعلق به گروه دانشجویان علوم پایه است.

جدول ۳- تحلیل واریانس مقایسه ی میانگین های کارآفرینی به طور کلی، بر اساس گروههای آموزشی علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و کشاورزی و گروه علوم پزشکی (پرستاری)

منابع تغییر	SS	df	MS	F	Sig
بین گروهی	۴۶/۳۲	۳	۱۵۴۴/۰۵	۱۱/۸۹	۰/۰۰۱
درون گروهی	۵۲۵۶۳/۰۳	۴۰۵	۱۲۹/۷۸	-	-
کل	۵۷۱۹۵/۸	۴۰۸	-	-	-

همان گونه که در جدول شماره ی ۳ مشاهده می شود، تحلیل واریانس یک سویه تفاوت میانگین گروههای چهارگانه را معنی دار بدست داده است، آزمون تعقیبی توکی نشان داده است که

این تفاوت بین گروههای علوم انسانی و پزشکی (پرستاری) به ترتیب با میانگین های ۹۸/۶۹ و ۱۰۵/۸۸ با دو گروه علوم پایه و مهندسی و کشاورزی با میانگین های ۹۲/۶۹ و ۹۴/۵۳ می باشد. افزون بر این، بین میانگین گروههای علوم پزشکی (پرستاری) و علوم انسانی نیز تفاوت معنی دار بدست آمده است و این تفاوت معنی دار است ($p < .0/05$).

جدول ۴- تحلیل واریانس تفاوت میانگین های گروههای آموزشی چهارگانه

در مولفه بی خلاقیت					
منابع تغییر	SS	df	MS	F	Sig
بین گروهی	۴۳/۷۲	۳	۱۴/۵۷	۲/۲۶	.0/081
درون گروهی	۲۶۰۸/۹۰	۴۰۵	۶/۴۴	-	-
کل	۲۶۵۲/۶۲	۴۰۸	-	-	-

ملاحظه ی جدول شماره ی ۴ و نتیجه ی تحلیل واریانس یک سویه نشان می دهد که بین میانگین گروههای آموزشی در مولفه ی خلاقیت تفاوت معنی دار وجود ندارد ($p > .0/05$).

جدول ۵- تحلیل واریانس تفاوت میانگین های گروههای آموزشی چهارگانه در مرکز کنترل

درونی					
منابع تغییر	SS	df	MS	F	Sig
بین گروهی	۳۴۶/۴۰	۳	۱۱۵/۴۶	۸/۳۷	.0/001
درون گروهی	۵۵۸۱/۶۲	۴۰۵	۱۳/۷۸	-	-
کل	۵۹۲۸/۰۲	۴۰۸	-	-	-

همان گونه که در جدول شماره ی ۵ نشان داده شده است، تفاوت بین میانگین گروههای آموزشی در ویژگی مرکز کنترل درونی معنی دار است. آزمون توکی نشان داد که این تفاوت بین گروههای علوم پزشکی (پرستاری) و علوم انسانی به ترتیب با میانگین های ۲۱/۱۱ و ۲۱/۶۸ با گروههای آموزشی علوم پایه و فنی مهندسی و کشاورزی به ترتیب با میانگین های ۱۹/۴۲ و ۱۹/۸۸ است، ولی بین میانگین های گروههای علوم پزشکی (پرستاری) و علوم انسانی از یک سو و میانگین های گروههای علوم پایه و مهندسی از سوی دیگر تفاوت معنی دار وجود نداشت ($P > .0/05$).

جدول ۶- تحلیل واریانس تفاوت میانگین های گروههای آموزشی چهارگانه بر اساس مولفه ی تمایل به

مخاطره پذیری					
منابع تغییر	SS	df	MS	F	Sig
بین گروهی	۲۹۸/۱۹	۳	۹۹/۴۰	۶/۸۲	.0/001
درون گروهی	۵۸۹۶/۱۵	۴۰۵	۱۴/۵۵	-	-
کل	۶۱۹۴/۳۵	۴۰۸	-	-	-

بر اساس جدول شماره ۶ تحلیل واریانس تفاوت بین میانگین ها را در مولفه ی تمایل به مخاطره پذیری معنی دار نشان داده است ($p < .0/05$).

بر اساس آزمون توکی میانگین گروه علوم پزشکی (پرستاری) با میانگین سایر گروهها تفاوت معنی دار داشت، بنابراین گروه علوم پزشکی (پرستاری) با میانگین ۱۹/۸۰ به گونه ای معنی دار از میانگینی بالاتر برخوردار است.

جدول ۷- تحلیل واریانس تفاوت میانگین های گروههای آموزشی چهارگانه بر اساس مولفه ی

نیاز به استقلال

منابع تغییر	SS	df	MS	F	Sig
بین گروهی	۲۰۷/۶۰	۳	۶۹/۲۰	۶/۶۸	.۰/۰۰۱
درون گروهی	۴۱۹۴/۱۹	۴۰۵	۱۰/۳۵	-	-
کل	۴۴۰۱/۸	۴۰۸	-	-	-

توجه به یافته های ناشی از تحلیل واریانس یک سویه (جدول شماره ۷) نشان می دهد که تفاوت بین میانگین گروههای چهارگانه در مولفه ی نیاز به استقلال معنی دار است ($p < .0/05$). آزمون توکی این تفاوت را بین میانگین گروه علوم پزشکی (پرستاری) با گروههای علوم پایه و مهندسی و کشاورزی نشان می دهد.

جدول ۸- تحلیل واریانس تفاوت میانگین گروههای آموزشی چهارگانه بر اساس مولفه ی نیاز به

موفقیت

منابع تغییر	SS	df	MS	F	Sig
بین گروهی	۴۴۲/۴۶	۳	۱۴۷/۴۸	۱۴/۹۴	.۰/۰۰۱
درون گروهی	۳۹۹۷/۱۳۴	۴۰۵	۹/۸۶	-	-
کل	۴۴۳۹/۵۹	۴۰۸	-	-	-

جدول شماره ۸ ی نشان می دهد که تفاوت بین میانگین ها در مولفه ی نیاز به موفقیت معنی دار است و بر اساس یافته های ناشی از اجرای آزمون توکی این تفاوت بین گروه علوم پزشکی (رشته ی پرستاری) با سایر گروههاست و سایر گروهها با یکدیگر تفاوت معنی دار ندارند. پرسش ۳- آیا بین دانشجویان زن و مرد از نظر ویژگی های کارآفرینی تفاوت وجود دارد؟

جدول ۹- میانگین، انحراف استاندارد، مقدار t و سطح معنی داری دو گروه دانشجویان زن و مرد

Sig	t	s		\bar{X}		
		مرد	زن	مرد	زن	
۰/۰۱۷	۲/۳۹	۱۱/۵۷	۱۱/۹۶	۹۴/۸۸	۹۷/۶۶	کارآفرینی
۰/۴۸	۰/۷۰۲	۴/۳۶	۳/۲۰	۲۰/۳۴	۲۰/۶۱	مرکز کنترل درونی
۰/۷۵	۰/۳۱۹	۲/۳۷	۲/۶۹	۱۸/۵۴	۱۸/۶۲	خلاقیت
۰/۰۰۱	۳/۸۴۵	۳/۰۱	۳/۴۶	۱۹/۴۸	۲۰/۷۱	نیاز به موفقیت
۰/۴۲	۰/۸۰۸	۳/۶۹	۴/۸	۱۷/۰۲	۱۷/۳۳	تمایل به مخاطره پذیری
۰/۰۱	۲/۶۰	۳/۰۴	۳/۴۲	۱۹/۴۹	۲۰/۳۳	نیاز به استقلال

همان گونه که در جدول شماره ۹ مشاهده می شود، در کل ویژگی کارآفرینی بین میانگین دانشجویان زن و مرد تفاوت وجود دارد، ولی در مولفه های مرکز کنترل درونی، خلاقیت و تمایل به مخاطره پذیری بین آن ها تفاوت معنی دار نیست. میانگین دو مولفه نیاز به موفقیت و نیاز به استقلال در دو گروه نیز دارای تفاوت معنی دار است ($p < .05$).

پرسش ۴- آیا بین پیشرفت تحصیلی دانشگاهی و ویژگی های کارآفرینی ارتباط وجود دارد؟ برای تعیین چگونگی همبستگی بین ویژگی های کارآفرینی و پیشرفت تحصیلی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۱۰- ضریب همبستگی پیرسون برای پیشرفت تحصیلی و هر یک از مولفه های کارآفرینی

Sig	r	مولفه
۰/۰۰۱	۰/۱۷۲	نیاز به موفقیت
۰/۰۰۱	۰/۲۰۲	مرکز کنترل درونی
۰/۰۰۲	۰/۱۵۲	تمایل به مخاطره پذیری
۰/۰۰۱	۰/۱۶۳	نیاز به استقلال
۰/۶۸۶	۰/۰۲۰	خلاقیت
۰/۰۰۱	۰/۲۱۲	کارآفرینی (به طور کلی)

همان گونه که در جدول شماره ۱۰ مشاهده می شود، همبستگی بین مولفه ها یا ویژگی های کارآفرینی و میزان پیشرفت تحصیلی که بر اساس معدل دانشجویان محاسبه شده، مثبت است و مقادیر ضریب همبستگی نیز به جز در مولفه ی خلاقیت در همه ی ویژگی ها یا مولفه های دیگر معنی دار است، ولی ضریب همبستگی ویژگی خلاقیت و پیشرفت تحصیلی معنی دار بدست نیامده است ($p > .05$).

پرسش ۵- آیا بین دانشجویان مقاطع کاردانی و کارشناسی از نظر ویژگی های کارآفرینی تفاوت وجود دارد؟

برای پاسخ به این پرسش پژوهشی از آزمون t برای گروههای مستقل استفاده شده است. تعداد دانشجویان کاردانی ۱۷۶ نفر و کارشناسی ۲۳۳ نفر بوده است.

جدول ۱۱- میانگین، انحراف استاندارد، مقدار t و سطح معنی داری دو گروه دانشجویان کاردانی و کارشناسی

Sig	t	s	\bar{X}	کارشناسی	کاردانی	
۰/۰۷۱	-۱/۸۱	۱۱/۲۳	۱۲/۵۳	۹۷/۲۲	۹۵/۰۹	کارآفرینی
۰/۳۳	/۹۶	۳/۲۵	۴/۴۴	۲۰/۶۳	۲۰/۲۶	مرکز کنترل درونی
۰/۱۵	۱/۴۲	۲/۴۹	۲/۶۱	۱۸/۴۳	۱۸/۸۰	خلاقیت
۰/۰۴۷	-۱/۹۵	۳/۵۰	۲/۹۸	۲۰/۳۹	۱۹/۷۵	نیاز به موفقیت
۰/۰۳	-۲/۰۷	۳/۲۷	۴/۰۸	۱۷/۵۴	۱۶/۷۳	تمایل به مخاطره پذیری
۰/۰۳۵	-۲/۱۱	۳/۲۲	۳/۲۰	۲۰/۲۲	۱۹/۵۳	نیاز به استقلال

همان گونه که جدول شماره ی ۱۱ نشان می دهد، دانشجویان کارشناسی در روحیه ی کارآفرینی به طور کلی، میانگین بیش تری نسبت به دانشجویان کاردانی دارند، اما تفاوت میانگین دو گروه که با استفاده از آزمون t حاصل شده است، معنی دار نیست ($p > ۰/۰۵$) از بین ویژگی های پنج گانه ی کارآفرینی، دانشجویان کارشناسی در ویژگی های نیاز به موفقیت و تمایل به مخاطره پذیری و نیاز به استقلال میانگینی بالاتر داشته اند و تفاوت دو گروه در این ویژگی ها معنی دار است، ولی در دو ویژگی مرکز کنترل درونی و خلاقیت تفاوت دو گروه معنی دار نیست ($p > ۰/۰۵$).

بحث و نتیجه گیری

میانگین بدست آمده برای کل دانشجویان در کل پرسشنامه و نتیجه ی تحلیل آزمون t تک نمونه ای نمایانگر وضعیت بالاتر از حد میانگین روحیه ی کارآفرینی به طور کلی در کل نمونه ی آماری است. همین موضوع در مورد هر یک از مولفه ها به جزمولفه ی تمایل به مخاطره پذیری نیز صدق می کند و آزمون t تک نمونه ای تفاوت میانگین این مولفه ها را از حد میانگین معنی دار نشان داده است. دانشجویان نمونه ی آماری در مولفه ی تمایل به مخاطره پذیری میانگینی کم تر داشته و آزمون t تک نمونه ای پایین تر از میانگین بودن این مولفه را معنی دار بدست آورده است. از نتایج این آزمون می توان چنین برداشت کرد که این مولفه در مقایسه با سایر مولفه ها و نیز روحیه ی کارآفرینی به طور کلی از مطلوبیت کم تری برخوردار است. بر اساس نتایج بدست آمده

از اجرای آزمون فریدمن نیز می توان اذعان کرد که مولفه ی مرکز کنترل درونی بالاترین میانگین رتبه و تمایل به مخاطره پذیری کم ترین میانگین رتبه را داشته اند و با این حال تفاوت بین میانگین رتبه ها معنی دار شده است، به بیان دیگر، نقش هر یک از این مولفه ها در کل روحیه ی کارآفرینی متفاوت است. بالاتر بودن میانگین مولفه ی مرکز کنترل درونی، نیاز به موفقیت و نیاز به استقلال را می توان زمینه ی شایان توجهی برای کارآفرینی بالقوه ی دانشجویان دانست. میانگین بالاتر از حد متوسط روحیه ی کارآفرینی به طور کلی نیز نمایانگر آمادگی بالقوه ی دانشجویان در جهت کارآفرین شدن از جنبه ی روان شناختی است.

در مورد هر یک از ویژگی های کارآفرینی بر حسب گروههای آموزشی تحلیل یافته نشان می دهد که دانشجویان گروه پزشکی، یعنی رشته ی پرستاری در همه ی مولفه ها به جز مرکز کنترل درونی، بالاترین میانگین ها را داشته اند، بنابراین دانشجویان گروه پزشکی به گونه ای محسوس روحیه ای بالاتر از کارآفرینی از خود نشان داده اند. پس از گروه پزشکی، گروه علوم انسانی قرار دارد. این گروه از بالاترین میانگین در مولفه ی مرکز کنترل درونی در مقایسه با سایر گروهها برخوردار است و باید اذعان کرد که در مجموع این گروه روحیه ی کارآفرینی بالاتر از میانگین از خود نشان داده است. گروه فنی و مهندسی و کشاورزی در رتبه ی سوم قرار دارد و پس از آن گروه علوم پایه است.

در مقایسه هر یک از ویژگی ها در گروههای آموزشی، دانشجویان گروه مهندسی و کشاورزی از دانشجویان گروه علوم انسانی ریسک پذیری بیش تری نشان داده اند، اگرچه این تفاوت بسیار اندک است، ولی دانشجویان علوم انسانی نیاز به موفقیت بیش تری در مقایسه با دانشجویان مهندسی و کشاورزی از خود بروز داده اند. این نتیجه با آنچه یارای (۱۳۸۳) بیان کرده است، همسویی دارد، ولی بر خلاف نتیجه ی کلی پژوهش یاد شده که بر پایین بودن روحیه ی کارآفرینی اشاره دارد، در این پژوهش روحیه ی کارآفرینی و مولفه های آن به جز تمایل به مخاطره پذیری بالاتر از حد میانگین ارزیابی می شود که این نتیجه با آنچه شیرزادی (۱۳۸۵) مبنی بر بالاتر از میانگین بودن روحیه ی کارآفرینی عنوان کرده است، همسویی نشان می دهد.

نتایج این پژوهش با این حال با نتایج پژوهشی که ادهمی (۱۳۸۳) در مورد ویژگی کارآفرینی مدیران ارشد صنایع غذایی انجام داد و ویژگی های آن ها از جمله استقلال طلبی، توفیق طلبی نوآوری و خلاقیت را بالاتر از میانگین بدست آورد، نیز هماهنگی نشان می دهد.

تحلیل واریانس یک سویه نشان داده است که بین دانشجویان گروههای آموزشی از نظر روحیه ی کارآفرینی به طور کلی تفاوت معنی دار وجود دارد و در این راستا، گروه پزشکی (پرستاری)، علوم انسانی و گروههای فنی و علوم پایه از روحیه ای متفاوت برخوردارند به این معنی

که روحیه ی کارآفرینی در دانشجویان گروه پزشکی بالاتر بدست آمده است و در این میان تنها گروههای علوم پایه و مهندسی با هم تفاوت معنی دار نشان نداده اند.

در زمینه ی مقایسه ی بین ویژگی ها در گروههای آموزشی نیز می توان اذعان کرد که در مولفه ی نیاز به موفقیت نیز تفاوت گروهها معنی دار است و گروه پزشکی برتری شایان توجهی نسبت به سایر گروهها از خود نشان داده و پس از آن گروه علوم انسانی قرار دارد، گروههای علوم پایه، مهندسی و کشاورزی به یک اندازه از خود احساس نیاز به موفقیت نشان داده اند.

تحلیل واریانس در زمینه ی خلاقیت بین گروههای گوناگون آموزشی تفاوت معنی دار نشان نداده است و به بیان دیگر هر چهار گروه آموزشی به یک میزان از خود خلاقیت نشان داده اند.

از لحاظ ویژگی مرکز کنترل درونی گروههای پزشکی (پرستاری) و علوم انسانی از خود وضعیت مشابهی بروز داده اند و هر دو گروه به گونه ای معنی دار از گروههای علوم پایه، مهندسی و کشاورزی مرکز کنترل درونی بیش تری نشان داده اند.

در مورد مولفه ی مخاطره پذیری گروه پزشکی که دانشجویان رشته ی پرستاری هستند، از سایر گروههای آموزشی که کم تر از حد میانگین هستند، ریسک پذیری بیش تری داشته اند، شاید تفاوت بین گروه پزشکی (پرستاری) و سایر گروههای آموزشی با همگونی بیش تر و جنسیت و پایگاه اجتماعی آن ها مرتبط باشد زیرا دانشجویان پرستاری فقط زن هستند و از نظر سنی نیز در مقایسه با سایر گروهها از همانندی بیش تری برخوردارند، در مجموع می توان گفت که نتایج این پژوهش با آنچه مشایخ (۱۳۸۳) و یارای (۱۳۸۳) در مورد تفاوت بین رشته ها بیان کرده اند، همسویی نشان می دهد.

جدول شماره ی ۹ نتایج آزمون t را برای گروههای مستقل و برای هر یک از مولفه های کارآفرینی و نیز کل ویژگی کارآفرینی در دو گروه دانشجویان زن و مرد نشان می دهد. همان گونه که ملاحظه می شود، در کل خصیصه ی کارآفرینی بین دو گروه دانشجویان زن و دانشجویان مرد، در سطح ۰/۰۱ تفاوت معنی دار وجود ندارد، ولی در سطح ۰/۰۵ بین آن ها تفاوت معنی دار وجود دارد. بنظر می رسد این تفاوت کم مرتبط با میانگین بالاتر گروه علوم پزشکی (پرستاری) باشد که همه از گروه زنان هستند و میانگین ۱۰۵/۸۸، یعنی بالاترین میانگین را کسب کرده اند. با این حال، میانگین های گروههای زن و مرد نمایانگر بهره مندی هر دو گروه از ویژگی های کارآفرینی به جز تمایل به مخاطره پذیری در حد بالاتر از میانگین است. همان گونه که در جدول شماره ی ۹ مشاهده می شود، هر دو گروه تمایل به مخاطره پذیری کم تری از خود نشان داده اند و بین دو گروه نیز در این زمینه تفاوت معنی دار بدست نیامده است. از بین ویژگی ها یا مولفه های کارآفرینی نیاز به موفقیت در بین دانشجویان زن به گونه ای معنی دار بیش تر از دانشجویان مرد

است که شاید بتوان آن را به دلیل بالاتر بودن میانگین در بین دانشجویان گروه پزشکی (پرستاری) دانست که از گروه زنان هستند. افزون بر این، در مولفه ی نیاز به استقلال نیز بین دو گروه تفاوت وجود دارد که این تفاوت از نظر آماری معنی دار است.

نتایج این پژوهش با آنچه که کارلند (۱۹۹۱) در مورد نبود تفاوت بین زنان و مردان کارآفرین در ویژگی های کارآفرینی بیان می کند، در برخی مولفه ها از جمله خلاقیت و مخاطره پذیری، همسویی دارد، اما در مولفه ی نیاز به موفقیت و روحیه ی کارآفرینی به طور کلی چنین نیست و نیز با آنچه کولینز (۲۰۰۷) در مورد برتری مردان در زمینه ی ریسک پذیری بیان کرده است، همسویی نشان نمی دهد.

همان گونه که در جدول شماره ی ۱۰ ملاحظه می شود، ضریب همبستگی بین پیشرفت تحصیلی دانشگاهی و کلیه ی ویژگی های کارآفرینی مثبت است و این ضرایب به جز در خلاقیت، همبستگی معنی دار را بین دو متغیر پیشرفت تحصیلی و ویژگی های کارآفرینی نشان می دهد، به بیان دیگر، ضرایب مشخص می کنند که هر چه پیشرفت تحصیلی بیش تر باشد، دانشجویان از روحیه ی کارآفرینی بیش تری نیز برخوردارند. در این میان تنها مولفه ای که همبستگی معنی دار با پیشرفت تحصیلی ندارد، مولفه ی خلاقیت است، ولی به طور کلی می توان گفت که دانشجویان موفق تر از نظر تحصیلی گرایش بیشتری به کارآفرینی از خود نشان داده اند.

تحلیل آزمون t برای دو گروه مستقل نشان می دهد که میانگین دانشجویان مقطع کارشناسی از دانشجویان کاردانی در روحیه ی کارآفرینی به طور کلی، اندکی بیش تر است، ولی بین این دو گروه تفاوت معنی دار وجود ندارد. به بیان دیگر، روحیه ی کارآفرینی هر دو گروه یکسان است. این دو گروه از دانشجویان در مولفه های نیاز به موفقیت، تمایل به مخاطره پذیری و تمایل به استقلال تفاوت نشان داده اند و در هر سه مولفه گروه دانشجویان کارشناسی میانگین بالاتری بدست آورده اند. اگر چه در هر سه مورد و بویژه در مولفه ی نیاز به موفقیت این تفاوت اندک است، با این حال، در ویژگی های مرکز کنترل درونی و خلاقیت نیز بین دو گروه تفاوتی معنی داری مشاهده نشده است. در مجموع هر دو گروه دانشجویان به جز تمایل به مخاطره پذیری، از ویژگی های کارآفرینی اندکی بالاتر از میانگین برخوردارند و کم ترین مقدار در هر گروه مربوط به ویژگی تمایل به مخاطره پذیری است که البته در این مورد نیز به گونه ای معنی دار دانشجویان مقطع کارشناسی میانگین بیش تری بدست آورده اند. به بیان دیگر، دانشجویان مقطع کارشناسی ریسک پذیری بیش تری دارند. نتایج این پژوهش با آنچه عبدا الملکی و همکاران (۱۳۸۶) در مورد تاثیر متغیرهای جنس، سن و تحصیلات بر کار آفرینی بیان کرده اند، از برخی جنبه ها هماهنگی دارد.

شاید بتوان از بالاتر بودن میانگین دانشجویان کارشناسی در مقایسه با دانشجویان کاردانی چنین درک کرد که افزایش تحصیلات می تواند منجر به افزایش روحیه ی کارآفرینی شود. البته عدم تفاوت معنی دار دو گروه دانشجویان کاردانی و کارشناسی در مرکز کنترل درونی و خلاقیت نمایانگر این است که این دو مولفه با مقطع تحصیلی ارتباطی نشان نداده اند و به بیان دیگر، دانشجویان هر دو مقطع به یک میزان از این دو ویژگی بهره مندند؛ گفتنی است که بر اساس یافته های بدست آمده از پاسخ به پرسش چهارم، بین میزان خلاقیت و پیشرفت تحصیلی نیز ارتباطی معنی دار بدست نیامده است، بنابراین لازم است که این مقوله در آموزش مورد توجه بیش تر قرار گیرد. نکته ی دیگری که در یافته های این پژوهش نمایان است، کم تر بودن میانگین مولفه ی تمایل به مخاطره پذیری در مقایسه با سایر مولفه هاست، ولی روی هم رفته می توان روحیه ی کارآفرینی نمونه ی آماری را به صورت نسبی مطلوب دانست با این حال لازم است که در برنامه های آموزش کارآفرینی تقویت همه ی مولفه ها مورد نظر قرار گیرد. موضوعی که باید در این پژوهش به آن توجه شود، محدود بودن جامعه ی آماری است. ذکر این نکته نیز ضروری است که این پژوهش تنها به بررسی ویژگی های روان شناختی کار آفرینی دانشجویان پرداخته است، بنابراین لازم است سایر ابعاد کار آفرینی دانشجویان نیز مورد مطالعه و توجه قرار گیرد.

منابع

- احمد پور داریانی محمود. (۱۳۸۲). آیا کارآفرینی استراتژی دانشگاه ها را تغییر می دهد؟ رهیافت ۲۹ . ۱۵ - ۲۵ .
- احمدپور داریانی، محمود و رضاییان ، علی. (۱۳۷۷). سیر تکاملی کارآفرینی ، مفهوم، دیدگاه ها، فرآیند و آموزش. مدرس ۶، ۱۳۸ - ۱۲۲ .
- احمدپور داریانی، محمود و مقیمی، سیدمحمد. (۱۳۸۵). مبانی کارآفرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ادهمی، حسین. (۱۳۸۳). بررسی ارتباط میان نیازهای کارکنان و کارآفرینی آنها در حوزه ریاست سازمان صدا و سیما. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- خدمتی توسل صادق. (۱۳۷۹). بررسی زمینه های بروز و پرورش کارآفرینی در دبیرستان های پسرانه کار و دانش شهرستان کرج از نظر مدیران، دبیران و دانش آموزان. پایان نامه فوق لیسانس دانشگاه شهید بهشتی
- شریف زاده مریم. (۱۳۸۲). بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان کشاورزی در راستای تقویت روحیه کارآفرینی. پایان نامه فوق لیسانس دانشگاه شیراز.

شیرزادی اصفهانی ، هما. (۱۳۸۵). بررسی رابطه جو سازمانی مدارس دولتی با روحیات کارآفرینی دانش آموزان. پایان نامه فوق لیسانس دانشگاه الزهرا.

علوی، سیدابوالفضل. (۱۳۸۲). کارآفرینی و رسالت دانشگاه . رهیافت، ۲۹، ۳۲-۲۷.

عابدی ، رحیم. (۱۳۸۱). مروری بر مکاتب کارآفرینی، مجله علوم انسانی(ویژه نامه اقتصاد ومدیریت) دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۲۳ ۱۷۲-۱۵۵.

مقیمي، سیدمحمد (۱۳۸۰). سازمان و مدیریت رویکرد پژوهشی.. تهران: ترمه.

مشایخ، فرحناز. (۱۳۸۳). بررسی رابطه پایگاه اجتماعی خانواده و روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشگاه شیراز. پایان نامه فوق لیسانس دانشگاه شیراز

عبدالملکی، جمال و همکاران. (۱۳۸۷). بررسی رابطه مهارت های کارآفرینی و کارآفرینی سازمانی، توسعه کارآفرینی ۲، ۱۳۰-۱۲۹.

مقیمي، محمد. (۱۳۸۲). کارآفرینی اجتماعی، رهیافت ۲۹، ۵۸-۴۶.

یارای علیرضا. (۱۳۸۳). بررسی برخی روحیات کارآفرینی دانشجویان و مقایسه آن با مدیران صنایع. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز

- Burch John G. (2007). Entrepreneur Wikipedia – The Free encyclopedia .
- Careland J. W & Careland J .A.(1991) . An empirical investigation in to the distinctions between male and female entrepreneurs and managers. International Small Buisness Journal Vol. 9 No3 P . 62 – 72
- Collins, Toniay (2007) . Gender differences in entrepreneurship: A study of entrepreneurship in two Midwestern Counties . Capella university <http://proquest> .
- Gibb Allan (2000). Enterpreneurship at universities should reach all faculties <http://nextware.org/cgi/content>.
- Gibb A.&Hannon P.(2007)
- Towards the entrepreneurial university [http://www . Web space. Utexasedu/witz](http://www.utexas.edu/witz).
- Hatten Timothy scott (1993)[http:// Proquest](http://Proquest).
- Singh Gangaram & Denoble Aley (2003) views on Self- employment and Personality: An exploratory study. Journal of Development Entrepreneurship Dec 2003
- Wyk, Boshoff & Bester (2003) Entrepreneurial attitudes: What are their Sources? SA JBMS NS. Vol. 6 (2003) [http :// www : up . ac Za/ ds pace / bitstrea](http://www.up.ac.za/dspace/bitstream) .
- Yonca G. & Nuray A. (2000).Entrepreneurship College Students Profils Sampling Comparative analysis Education & Training V. 48 p.25- 38.